

صور خیال در شعر سبک اصفهانی

دکتر جلیل تجلیل



انتشارات فرهنگستان هنر

بهار ۱۳۸۶

سرشناسه: تجلیل، جلیل، ۱۳۱۳ -

عنوان و پدیدآور: صور خیال در شعر سبک اصفهانی / جلیل تجلیل.

مشخصات نشر: تهران: فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۶.

مشخصات ظاهری: ۱۲۸ ص

شابک: 978-964-8802-80-1

موضوع: سبک هندی -- تاریخ و نقد.

موضوع: شعر فارسی -- ایران -- اصفهان -- تاریخ و نقد.

شناسه افزوده: فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران.

رده‌بندی کنگره: ۹ ص ۳ / ۳۵۷۹ PIR

رده‌بندی دیویی: ۸۵۱ / ۰۰۹۰۵

شماره کتابخانه ملی: ۸۵-۴۲۷۲۱ م



انتشارات فرهنگستان هنر

صور خیال در شعر سبک اصفهانی

دکتر جلیل تجلیل

ویراستار: منصور احمدی

نماینده: داود شریفیان

طراح جلد: غلامرضا مهری

چاپ اول: بهار ۱۳۸۶

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: فرآیندگویا

چاپ: شاد رنگ

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۸۰۲-۸۰-۱ ISBN: 978-964-8802-80-1

کلیه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است.

نشانی فروشگاه شماره ۱: تهران - خیابان ولیعصر - بالاتر از تقاطع امام خمینی (ره) - کوچه شهید حسن

سخنور - شماره ۱۵ - فرهنگستان هنر. تلفن: ۶۶۴۸۵۸۶۸، دورنگار: ۶۶۴۸۵۸۶۹ - صندوق

پستی: ۱۳۱۴۵-۱۳۷۷

www.honar.ac.ir

publishing@honar.ac.ir

نشانی فروشگاه شماره ۲: میدان فلسطین - خیابان شهید برادران مظفر - شماره ۵۳ - مؤسسه فرهنگی هنری

صبا. تلفن: ۱۱-۶۶۴۹۴۵۰۸-۹-۶۶۴۸۷۵۳۶ - صندوق پستی: ۱۴۱۵۵-۳۹۳۳

پست الکترونیک: saba@honar.ac.ir

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۷	سخن ناشران
۹	پیشگفتار
۱۳	امیر خسرو دهلوی
۳۹	عرفی شیرازی
۵۱	محتشم کاشانی
۶۳	صائب تبریزی
۹۷	بیدل دهلوی
۱۰۷	هاتف اصفهانی
۱۱۷	منابع
۱۲۱	نمایه

سخن‌ناشران

هنر حاصل ذوق، حس زیباشناختی هنرمند، تجربه‌ها و آموخته‌های اوست. هنرمند در این مسیر در تعامل با هنر و دانش اقوام و ملل دیگر، بر غنای تجربه خود می‌افزاید و افق دید خویش را می‌گستراند. از این رهگذر آثار و اندیشه‌های هنری به منصه ظهور می‌رسد و میراث هنری شکل می‌گیرد. این میراث هنری، جلوه تلاش هنرمندان، اندیشمندان و انسان‌هایی است که در آفرینش اثری زیبا سهم داشته‌اند. در واقع آنچه به منزله دست‌ساخته‌ای انسانی در قالب بنایی عظیم، مجسمه‌ای زیبا، تابلوی نقاشی‌ای چشم‌نواز و خطوط اسرارآمیز خودنمایی می‌کند، تحت تأثیر انگاره‌ها و اندیشه‌های رایج در تمدن‌های گوناگون بشری است. مهم آن است که این میراث شناخته شود و ابعاد گوناگون هنری، فلسفی، تاریخی، جامعه‌شناختی، انسان‌شناختی و غیره آن تحلیل و بررسی شود.

از آنجا که اصفهان، همواره از مراکز مهم فرهنگ و هنر اصیل ایرانی - اسلامی بوده است و گزینش آن به‌عنوان پایتخت فرهنگی جهان اسلام در سال ۱۴۲۷ ق نیز از همین روست، ستاد نکوداشت اصفهان و فرهنگستان هنر می‌کوشند، بر مبنای رسالتی که در نشر آثار و موضوعات فرهنگی - هنری و ترویج آنها برعهده دارند، با

۸ / صور خیال در شعر سبک اصفهانی

انتشار مجموعه آثاری در حوزه‌های گوناگون فرهنگ و هنر عصر صفوی، پاسخگوی نیاز هنرمندان و محققان این حوزه باشند.

انتشارات فرهنگستان هنر - انتشارات ستاد نكوداشت اصفهان،

پایتخت فرهنگی جهان اسلام

خرداد ماه ۱۳۸۶

پیشگفتار

اکنون که فرهنگستان هنر در این روزها (آذرماه ۱۳۸۵) همایشی در مکتب والاقدیر اصفهان و گشایشی در کار پژوهش دقایق هنر و ادب روزگاران صفوی تدارک دیده و این ناچیز نیز مشمول دعوت و تشویق این کانون بزرگ تحقیقات هنری و ادبی قرار گرفته است، به یاری خدای سخن‌آفرین با پرداختن به شیوه شعری تنی چند از قله‌های شعر فارسی در این عهد، تابلوهایی از شناخت و دقایق شعری و هنری بزرگان این سبک از جمله، هاتف، صائب، محتشم کاشانی، عرفی شیرازی، امیرخسرو و بیدل دهلوی را در معرض کالبدشکافی کلامی و بررسیهای دقیق بلاغی، و تتبع در سبک شعری هر یک را مد نظر قرار دادم و با بضاعت مزجاء خویش از دیدگاههای یاد شده به نمایش زیباییهای تصویری و ابداعهای بلاغی این شاعران پرداختم؛ به‌ویژه سبک و نمط گفتار آنها را در شکار معانی نایاب و ابتکار در همه عرصه‌های تصویری و انگاره‌ای گزارش کردم؛ تشبیه‌های برگرفته از طبیعت و انتقال آنها به معانی و پیامهای معقول را با شکافتن لایه‌های گوناگون آن و جست‌وجو در آسمانهای تمثیل و استعاره و سپردن شیوه‌های کنایه و نمودن خلاف‌آمدها و حسامیزیا و اسنادهای عقلی و شخصیت‌بخشی به دقت بررسی کردم؛ همچنین نطق‌بخشی بر بیزبانان از کوه، دریا، درخت، جنگل و پرندگان، نواگری زمین و نیایش

ستارگان آسمان^۱ و گشودن فضاهاى جدید و پیشکش داشتن ترفندها، بدایع و بسیاری از فنون سخنورى که این بزرگان از آبخاران طبع خویش نغمه‌هاى دلربایی را از آن به شاریدن واداشته‌اند به اجمال آوردم.

بى آنکه بخواهم به همه تازگیها و بلندآوازیهای سبک این بزرگان شعر و هنر که اغلب شان از اصفهان، پایتخت حکومت صفویان، برخاسته‌اند در این کوتاه سخن به‌پردازم تنها به برخی از نکات شعری آن که در این کتاب آمده اشاره می‌کنم:

«صائب» این گوینده شکارگر مضامین بکر، اوصاف حسی را در تصویر معانی درمی‌یابد و با دگرדיسی حواس به یکدیگر از راه تعبیر، که امروز آن را به «حسامیزی» تعبیر می‌کنند، شعر خود را به اوج قله اعجاز می‌رساند؛ چنان‌که در ابیات زیر تعبیر به کار رفته همچون سخن شسته، سخن تراش، سخن سزد، سخن تلخ در شعر او که همه اوصاف محسوس طبیعت‌اند از راه تمثیل و استعاره بر قامت موزون سخن، که مفهومی معنوی و عقلی است، بریده و دوخته شده است و این جز با تصرف شاعرانه در خواص موجودات طبیعی و توسع در «حسامیزی» امکان‌پذیر نیست:

سخن شسته:

بی‌ابر گهر بار چمن شسته نگرود / تا دل نشود آب سخن شسته نگرود
سخن تراش:

سخن تراش ز زخم زبان نیندیشد / ز ذکر آزه نگرود درودگر دلگیر
سخن سرد:

دل عارف نرود از سخن سرد از جای / باد با تخت سلیمان چه تواند کردن
سخن تلخ:

می‌شود قند گلسوز مکرر چون شد / چه شود گر سخن تلخ مکرر گردد
صائب با دستیابی به ترفند استعاره تبعیه، همچون مولوی، تعبیر کشیدن و مکیدن را برای سخن که عصاره و شیرۀ جان است، به کار برده درحالی که مکیدن و

۱. به این شیوه اندیشه که در کلام و اندیشه انسانهای باستان رایج بود به گونه‌ای که همه چیز از دید آنان در پویایی، رشد، کمال و مرگی مداوم به سر می‌برد در نقد ادبی و مباحث ادبی نو، جاندارانگاری (Animism) گفته می‌شود. - و.

کشیدن برای کودک شیرخواری که پستان مادر را می‌مکد به کار می‌رود.

این سخن شیر است در پستان جان بی‌کشنده خوش نمی‌گردد روان
مستمع‌گر طالب و جوینده شد واعظ‌ار مرده بود گوینده شد^۱

به هر حال او با قدرت تمام تعبیر «سخن‌کش» را در ابیات خویش چنین آورده است:
صائب از قحط سخن‌دان چه به من می‌گذرد

به «سخن‌کش» نشود هیچ سخن‌دان محتاج

بی «سخن‌کش» هم سخن می‌آید از دل بر زبان

گر به پای خویش بیرون آید از دریا گهر

از مستمع گشوده شود چشمه سخن

هر جا «سخن‌کش» است سخن بی‌نهایت است

و چه قدر فاصله است میان گرفتن سخن با کشیدن و قاییدن با ولع و اشتیاق، آن هم اشتیاقی که طفل شیرخواره به پستان مادر دارد و این تعبیر زیبای علی (ع) را یاد می‌آورد آنجا که می‌فرماید: «والله لا بین ابی طالب آنس بالموت من الطفل الرضيع لثدی أمه».

یعنی: «سوگند به خدا که من فرزند ابوطالب به مرگ مانوس ترم از کودک شیرخواره^۲ به پستان مادرش».

بیدل دهلوی نیز که از آبشخور کانون سبک هنری اصفهان شعرش تر و تازگی یافته و از سوز دل، کلامش برتافته و مشتعل است، از چشم‌بندی خورشید در عجب است که چگونه با عربانی و بی‌کسوتی چشمها را می‌پوشاند و خیره می‌گرداند.

نور غیر از کسوت عربانی خورشید نیست

چشم‌بند است این که خود را چون ببوشاند ز من

و همچنین این خلاف‌آمد در این بیت با تصویرهای متناقض بیگانگی در عین آشنایی از او روی نموده است:

جهان در عالم بیگانگی شد آشنای من سراب آینه‌ام گل می‌کند نزدیکی از دورم
و در بیت زیر نیز این آشنایی‌زدایی را با عیار تعجب درآمیخته و در قالب تمثیل

فرو ریخته است:

یار دور است ز ما تا به نظر نزدیک است امتیاز آینه دوری هر نزدیک است
در پایان از فرهنگستان هنر که مشوق این ناچیز در تالیف و به انجام رسیدن این
تحقیق بوده‌اند از صمیم جان تقدیم امتنان و از ایزد منان درخواست فرونی توفیق و
تأیید در گسترش دانش و هنر و معنویت دارم.

جلیل تجلیل